

در هر بار تمرین پناهیگیری، در محل‌های امن پناهیگیری کنید تا انجام این عمل در زمان وقوع زلزله، نیاز به صرف وقت نداشته باشد.



پای دکتر صابری به جشنواره فیلم فجر باز شد

فکر می‌کنید چه چیزی در میانه‌های یک فیلم گنگ می‌تواند مخاطبان را تکان دهد؟ دیدن وودی آلن، بشقاب پرنده، اسکارلت جوهرانسن یا مثلاً بادکنک‌های رنگارنگ؟ هیچ کدام. در نخستین روز جشنواره آن چیزی که در جریان فیلم «سال دوم دانشکده من» همه را متحیر کرد حضور یک جراح، خواننده، بازیگر و البته آقای فامیل بود؛ کسی که هفته‌های قبل بابت کنسرت اخیرش حملات سنگینی را هم از طرف رسانه‌ها تحمل کرده است. دکتر مسعود صابری بعد از کنسرت جنجالی‌اش این بار در فیلم رسول صدرعاملی، پسر خاله مادری‌اش نقش خود را در صحنه کوتاهی به‌عنوان یک پزشک بازی کرده است.

یادداشت

یادداشت‌های یک ۳۷ساله

چهل سالگی یا چه فیلم‌هایی؟!



علیرضا مجمع

منتقد

راستش خیلی این جملاتی که این یک‌ماهه اخیر می‌شنوم را درک نمی‌کنم. حرف‌هایی که در تنها برنامه اختصاصی جشنواره در تلویزیون در این یکی دو شب چندبار گفته شده است و به نظرم حرف دقیقی نیست. چه حرفی؟ این که «چون در چهل سالگی انقلاب هستیم باید فیلم‌های جشنواره هم رنگ و بوی بیشتری از انقلاب داشته باشد».

اساساً یا من درک نمی‌کنم یا این حرف از اساس بی‌پایه است. کمی به آن فکر کنیم؛ سینما چه ربطی به سن و سال دارد؟ اصلاً یک جشنواره سینمایی چه ربطی به سن و سال دارد؟ تنها نکته‌ای که در یک جشنواره سینمایی به عدد و رقم سنی ربط پیدا می‌کند، تجربه برگزاری جشنواره و گاف کمتر در فرم برگزاری است، همین. حالا اگر خلاقیتی در دبیر و مدیر و رئیس باشد، بخش‌هایی را به تناسب هر سال به جشنواره اضافه و جشنواره را هویت‌دار می‌کنند؛ مثلاً هم‌سنان من یادشان هست که در جشنواره‌های دهه ۶۰ بخش‌های سینمای کلاسیک و جشنواره جشنواره‌ها و گنجینه‌های فیلمخانه‌ای در همین ۱۰ روز روی پرده می‌رفت؛ یا بخش‌هایی مثل برای برگ‌گمان و تار کوفسکی و پاراجانف به‌عنوان فیلمسازان نسل نو به شکل فکرشده ایجاد می‌شد تا هر کس علاقه داشت فیلم‌های اینها را در سینما بتواند ببیند، اما این که عدد و رقم را ایدئولوژی یک کنیم و بخواهیم با فشار عدد و رقم یک واقعه چهل‌ساله را یادآوری کنیم، می‌شود مثلاً کاری که بنیاد سینمایی فارابی چندسال قبل - فکر کنم برای ۳۰ سالگی انقلاب انجام داد و شش‌هفت فیلم با موضوع انقلاب ۵۷ ساخت که یکی از دیگری به درد نخورتر و بودجه‌حرام‌کن‌تر بودند و به اصطلاح فقط اگر برای تماشاگر آب نداشت، برای تهیه‌کنندگان نان داشت.

لطفاً اجازه بدهید سینما مسیر خودش را برود و جشنواره فیلم فجر که در ۳۷ سالگی ناتوان‌تر از همان سال‌های اولش با زیست نباتی فقط زنده است، بتواند خود را بازسازی کند.

نگاهی به فیلم «غلامرضا تختی» ساخته جدید بهرام توکلی که بالاخره جشنواره را گرم کرد و باعث بحث‌های متفاوتی شد

تختی شعارزده تختی خاموش، تختی نازنین



محمد صادق شایسته

وقتی که نخستین بار شنیدیم قرار است زوج بهرام توکلی و سعیدملکان پس از موفقیت «تنگه ابوقریب»، سراغ زندگی جهان پهلوان «غلامرضا تختی» بروند، چند ترس بزرگ همراه این خبر ایجاد شد؛ یکی درست بازسازی نکردن مهمترین لحظات ورزش قهرمانی تختی یا از قلم انداختن نقاط عطف زندگی‌اش، یکی تکرار تجربه تلخ تلاش قبلی برای به تصویر کشیدن زندگی او که نسخه علی حاتمی‌اش با مرگ شاعر سینمای ایران ناقص ماند و نسخه تکمیلی‌اش که دست‌پخت بهروز افخمی بود، چندان‌اش دهان‌سوزی از کار درنیامد و از همه مهم‌تر به تصویر کشیدن بی‌طرفانه و بدون تحریف از زندگی پراز حاشیه و معمای اسطوره معاصر اخلاق و مردمداری و ورزش ایران‌امابعد از تماشای فیلم نفس راحتی کشیدیم. درست است که فیلم «غلامرضا تختی» شاهکار نیست اما ساختاری که برای ساخت فیلمی استاندارد از یک قهرمان ملی انتخاب کرده، آن هم با توجه به زندگی پرفراز و نشیب تختی درست و هوشمندانه است و نتیجه‌اش اثری درآمده که تنها بعد از پایان فیلم می‌توانید درباره‌اش بحث کنید و داخل سالن‌های تاریک غرق در جهان پهلوان و چالش‌های ریزدرشت می‌شوید.

ماجرا از چه قرار است؟

فیلم که به سبک و سیاق فیلم‌های همان دوران سیاه‌وسفید است، از کودکی تختی آغاز می‌شود؛ با ساکنی تکان‌دهنده از لحظه غرق شدن او در گری بعدی‌اش با لشگری از بچه‌های مهاجم در یک فضا و موقعیت چرک و دهشتناک جنوب شهری؛ خیلی زود با خانواده و زندگی فقیرانه‌اش آشنا

مروری که بد نیست!

جدنا از وجه مستند روایت، این هم نکته مهمی است که زندگی تختی با حجم بالایی از اتفاقات و شایعات ریزودرشت قابلیت تبدیل شدن به یک سریال چند ده قسمتی را دارد و توکلی به‌عنوان نویسنده و کارگردان با اشراف به این موضوع و محدودیت‌هایش در سینما به‌درستی تصمیم گرفته که زندگی او را تنها به سرعت مرور کند. در این بین طبیعتاً مدت زمان کمتر از دو ساعت فیلم باعث شده است که بسیاری از اتفاقات زندگی تختی یا در فیلم نباشد یا به شکل گذرا در باره‌شان حرف



زده‌شود. مسأله مرور سریع و مستندگونه زندگی تختی در فیلم منتقدان و موافقان زیادی پیدا کرده است. منتقدان می‌گویند که این اتفاق تنها وجه مستندگونه ناقصی به فیلم بخشیده که باعث ایجاد خلأ یک درام سینمایی جدی و کوبنده و در نتیجه دور شدن از ذات سینمای داستانی شده که البته از یک نظر حرف‌اشتباهی نیست اما به عقیده موافقان فیلم برش‌هایی درست از لحظات تأثیرگذار زندگی تختی است که به خوبی هم از عهده نمایش آنها برآمده است؛ مثل سکانس درخشان و میخکوب‌کننده کشتی دراماتیک او در فینال المپیک ۱۹۵۶

حاشیه

پیشکشی برای مسعود کیمیایی

شهروند! سیاوش اسعدی، کارگردان فیلم درخونگانه این فیلم را به مسعود کیمیایی، کارگردان محبوب خود پیشکش کرده است. او جمعه‌شب در نشست خبری فیلمش با اصحاب رسانه در این باره توضیحاتی داد: «اولاً قصه متعلق به سال ۱۳۷۰ است، دوماً پیشکش به آقای کیمیایی دلیل دارد و آن‌هم این است که من مثل بسیاری از فیلمسازان به جناب کیمیایی ارادت دارم، چرا که فکر می‌کنم آقای کیمیایی جریان‌سازترین فیلمساز این مملکت است. به نوعی می‌توان گفت که از جریان فیلم‌های او بود که بسیاری از فیلمسازان و بازیگران وارد سینما می‌شوند. به خاطر بی‌مهری‌هایی که نسبت به آقای کیمیایی در این روزگار می‌شود، فکر می‌کردم باید فیلمم را به او تقدیم کنم. بنابراین با کسب اجازه از تهیه‌کننده، این کار را انجام دادم تا بگویم ششیر، پیر هم که شود، ششیر است. می‌خواستم اولین نفر باشم که در زمان زنده‌بودن ایشان، فیلمی را به او پیشکش می‌کنم.»

جدول

منتقد / فیلم	معکوس	تختی	سال دوم دانشکده من	بنفشه آفریقای	تبغ و ترمه	درخونگانه
علی مصلح حیدرزاده	—	★★★★	★★	—	●	★★★
محمد صادق شایسته	★	★★★★	★★	★★★★	●	★★
پوریا ذوالفقاری	●	★★★★	—	★★	●	★★★★
علیرضا مجمع	★	★	●	—	●	★
امین فرج‌پور	★★	★★	—	★★	★	★★★★
سیدرضا صائمی	★	★★★★	★	★★	●	★★★

امتیازات از ۵ ستاره داده شده است

قاب روز



غلامرضا تختی در سنین متفاوت شاید به نظر شباهتی نداشته باشند اما مهم این است که مردم پسندیدند.



مونا زندگی در نشست پرسش و پاسخ فیلم... سلفی گرفتن او نشان می‌دهد از بنفشه‌هایش راضی است.



روز اول جشنواره هنوز برخی سالن‌های پردیس سینمایی ملت آماده نبود. تصویر تلاش پرسنل پردیس سینمایی برای آماده‌سازی آن را نشان می‌دهد.